

چرا کتاب نمی‌خوانیم؟

این نویسنده و پژوهشگر درباره این موضوع که گفته می‌شود مردم ایران کتابخوان نیستند، به خبرنگار ادبیات و نشر ایسنا گفت: امروز وقتی از معضلی به نام کتاب‌خوانی در جامعه ایران صحبت می‌شود معمولاً آن را متوجه گسترش وسایل ارتباطی مدرن...



محمد بقایی ماکان برای کتاب‌خوانی در کشورمان دلایلی را بیان کرد.

این نویسنده و پژوهشگر درباره این موضوع که گفته می‌شود مردم ایران کتابخوان نیستند، به خبرنگار ادبیات و نشر ایسنا گفت: امروز وقتی از معضلی به نام کتاب‌خوانی در جامعه ایران صحبت می‌شود معمولاً آن را متوجه گسترش وسایل ارتباطی مدرن و گرانی می‌دانند؛ حال آن‌که به واقع چنین نیست و نمی‌توان این برچسب دلگزا را به جامعه ایرانی زد و گفت آنان با کتاب و مطالعه نامأنوس‌اند، زیرا با نگاهی به تاریخ فرهنگی کشور شواهد بسیاری وجود دارد که جامعه ایرانی از آغاز به نوشتن و خواندن نه تنها علاقه‌مند بوده بلکه گاه به آن عشق می‌ورزیده است.

او در ادامه اظهار کرد: در «شاهنامه» ابداع و اختراع خط از ایرانیان دانسته شده و الواح گلی و همچنین کتیبه‌های مختلف ایام باستان مبین این نظر است. از این‌ها گذشته زمانی که کتابخانه فارس در دجله ریخته شد و آب دجله را تیره ساخت حکایت از کثرت کتاب‌هایی دارد که در کتابخانه فارس وجود داشته که بی‌شک اگر باقی می‌ماندند امروز بشر بر پایه آن آگاهی‌ها و تحقیقاتش چندین قرن پیش‌تر از این بود که الآن هست.

بقایی ماکان افزود: بعدها نیز که صنعت چاپ رونق گرفت ایران از نخستین کشورهایی بود که نه حتی در مرکز آن بلکه در شهرهای دوردستش صنعت چاپ از طریق چاپ سنگی گسترش یافت و کتاب‌های آن زمان نقش موثری در گسترش فرهنگ ایرانی در میان مردم و همچنین ترجمه‌های آثار غربی داشت؛ به طوری که اولین بار برخی از آثار فلسفی غرب از جمله «گفتار در روش» دکارت به وسیله ایرانیان ترجمه و منتشر شد. سپس در سال‌هایی که تحصیلات نوین آغاز شد و بر تعداد مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها افزوده شد شمارگان کتاب در کشور رقم قابل توجهی را تشکیل می‌داد که این شامل مطبوعات نیز می‌شد؛ به طوری که در آغاز دهه 50 شمارگان روزنامه‌های معروف کشور به مرز 300 هزار نسخه رسید که در تمامی خاورمیانه بی‌مانند بود.

این مترجم اظهار کرد: سپس در اواخر دهه 50 با توجه به تحولاتی که در کشور پیش آمد بسیاری از کتاب‌ها و برخی از روزنامه‌ها با تیراژ میلیونی منتشر شدند. همه این‌ها نشان‌دهنده علاقه ایرانیان به مطالعه است زیرا اصولاً ذهن ایرانی ذهن جست‌وجوگری است و به نظر نمی‌رسد در هیچ جامعه‌ای از جهان وقتی دو تن به هم می‌رسند نخستین پرسش‌شان از هم جمله «تازه چه خبر؟» باشد که خود حکایت از همان ذهن جست‌وجوگر دارد.

او افزود: این ذهن جمعی طبعاً طالب دانستن و آگاهی است و می‌داند که تفاوت انسان با حیوان در تجزیه و تحلیل امور است که نهایتاً سر در مطالعه و آگاهی دارد.

این پژوهشگر سپس گفت: این‌که امروز دیده می‌شود شمارگان کتاب متأسفانه تا حد 500 نسخه تنزل یافته به این سبب است که عشقه‌هایی ظاهراً فریب به جریان صنعت نشر افتاده و چنان آن را در خود گرفته که بسیاری از واقعیت‌ها در این خصوص پوشیده مانده است.

او در ادامه به مهم‌ترین دلایل مشکلات صنعت نشر اشاره کرد و در این باره گفت: نخست این‌که مدیریت کلان فرهنگی تلاش می‌کند قلم اهل معرفت به جوهر آنان آغشته شود. دیگر این‌که ممیزی‌های دلبخواه و سلیقه‌یی عرصه را چنان بر اهل قلم تنگ کرده که آنان عطای نوشتن و اندیشیدن را به لقایش بخشیده‌اند. سوم این‌که مضیقه‌های اقتصادی حرکت و پویایی را از ناشران گرفته است و کار به جایی رسیده که بسیاری از ناشران قراردادهای کتاب‌هایی را که حتی به مرحله چاپ هم رسیده پس از گذشت یک تا چند سال یک‌جانبه ملغی اعلام می‌کنند و به آسانی کتاب را به مولف بازمی‌گردانند یا با امروز و فردا کردن آن را ماه‌ها و سال‌ها به عقب می‌اندازند و شگفت این‌که چنین حرکتی در میان ناشران تحت پوشش هم امری طبیعی شده است. شاهد بارز آن انتشارات سوره مهر که برخی کتاب‌ها را به رغم قراردادهایی که امضا کرده پس از گذشت سال‌ها به چاپ نمی‌رساند و حتی به تلفن‌های مکرر مؤلفان نیز پاسخ نمی‌دهند.

او افزود: علاوه بر همه این‌ها تردیدی که از نحوه انتشار کتاب در ذهن مردم به وجود آمده سبب شده گرایش به کتاب‌خوانی از تاب و توان بیفتد. همچنین بسیاری از ناشران به دلایل اقتصادی در پی مترجمان و مولفان ارزان‌قیمت هستند که در نتیجه قلم ناپخته آن‌ها عامل مهمی در دلزدگی اهل کتاب شده است.

بقایی ماکان اظهار کرد: با این حال تمام این معضلات هنوز نتوانسته است علاقه اهل مطالعه را از کتاب دور کند زیرا همچنان شاهدیم که گاهی در همین وانفسای مطرح‌شده برخی از کتاب‌ها به رغم گرانی با تیراژ قابل توجهی مواجه می‌شوند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت این بیماری ناگهانی قابل درمان است و چنان‌چه موانع یادشده از مسیر صنعت نشر برداشته شود طبیعتاً معضل کتاب‌خوانی که امروز باید از آن به عنوان ورطه هولناک در جریان فرهنگی نام برد از میان خواهد رفت و این نبود توجه از سوی جامعه به کتاب خود مبین ذهنی تحلیل‌گر است. ذهن تحلیل‌گر مشتاق مطالعه است ولی شرایط مساعدی برای روی

